

مراکش: مقابله قانونی اما ناکافی با خشونت خانگی علیه زنان

Photo: Klanneke//depositphotos.com

راضیه امیری

کشور مراکش را به عنوان یکی از کشورهای اسلامی می‌شناسند که در آن نه خبری از حکومت اسلام‌گراست و نه خبری از گروه‌های سازمان‌یافته بنیادگرا همچون گروه طالبان در افغانستان که زندگی را بر مردم سخت کرده باشند. مخاطبی که با فضای خاورمیانه و شمال آفریقا آشنا باشد اما احتمالاً می‌تواند به خوبی دریابد که مردم در کشورهای این منطقه، حتی اگر حکومت‌هایی سکولار داشته باشند باز درگیر فضاها و انگاره‌های خشونت‌گرا علیه زنان هستند.

کشور مراکش نیز از این قاعده مستثنی نیست اما یکی از اتفاقات امیدبخش در سال ۲۰۱۸ این بود که مجلس مراکش قانون مبارزه با خشونت علیه زنان را در ماه فوریه تصویب کرد. این قانون برخی از انواع خشونت را به رسمیت شناخت و برخی از انواع خشونت خانگی را جرم‌انگاری کرد.

در این قانون خشونت علیه زنان چنین تعریف شده است: «هر نوع عملی بر مبنای تبعیض جنسیتی که متضمن آزار و صدمه جسمی، روانی، جنسی و اقتصادی است.»

با این حال این قانون تعریفی از خشونت خانگی ارائه نکرده و تجاوز در حریم ازدواج را نیز صراحتاً جرم‌انگاری نکرده است.

تجاوز در زندگی زناشویی

مسئله تجاوز در زندگی زناشویی از آن دست مسائلی است که برای بسیاری از افراد تحت تربیت سنتی، اصلاً و اساساً مسئله نیست؛ در حالی که می‌توان گفت بسیاری از مردان به همسران خود تجاوز می‌کنند.

یک نظرسنجی دولتی در مراکش میان هشت هزار و ۰۰۳ زن ۸۱ تا ۵۶ ساله در سال ۲۰۰۲ نشان داد که بیش از ۲۶ درصد از زنان مراکشی تجربه خشونت جسمی، روان‌شناختی، جنسی و اقتصادی داشته‌اند و بسیاری از آنان نیز این خشونت را در روابط زناشویی خود تجربه کرده‌اند.

داستان خدیجه

«خدیجه» یک زن مراکشی است. او می‌گوید شوهرش تقریباً هر روز به او تجاوز کرده است. او با چشمانی باز با یادآوری درد ناشی از پاره شدن لباس بلندش می‌گوید: «روزی را به یاد می‌آورم که تازه رسیده بودم به خانه. او یک دفعه به روی من پرید. مانند من بیرون کشید و مرا به سوی اتاق خواب هل داد.»

نکته تاسف‌برانگیز اینجاست که اساساً خیلی از مردان در این کشور مفهومی به نام تجاوز جنسی را به رسمیت نمی‌شناسند و بر این عقیده هستند که به علت حمایت مالیشان از زنان، آنان نیز باید نوع علائق و کنش‌های جنسی همسران خود را بپذیرند!

یک نظرسنجی که از سوی نهادهای بین‌المللی در سال ۲۰۱۲ انجام شد هم بیانگر این واقعیت تلخ بود که ۱۴ درصد مردان شرکت‌کننده در آن باور داشتند حمایت مالی آنان از زن، مجوزی برای تجاوز زناشویی است.

همچنین ۲۶ درصد از مردان بر این باور بودند که زنان باید به دلیل وحدت و انسجام خانواده، خشونت‌ها را تاب بیاورند.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

بر اساس چنین واقعیاتی است که منتقدان اگرچه نفس تصویب چنین قانونی را تحسین می‌کنند اما آن را به اندازه کافی حمایت‌گرانه نمی‌دانند.

به گفته آنان، این قانون به اندازه کافی به مشکلات عمیق موجود در این کشور آفریقای شمالی توجه نداشته است.

به گفته «امینه»، یک مددکار اجتماعی در مرکز زنان رباط، هر ماه به طور متوسط ۰۴ زن به دنبال فضای امن هستند و خواهان دریافت

مشاوره حقوقی و کمک‌ها و خدمات روان‌شناختی.

غم‌انگیز اینجاست که او می‌گوید: «متأسفانه بسیاری از قربانیان مراجعه‌کننده به ما، روند اقدامات قانونی را علیه شوهران خود ادامه نمی‌دهند زیرا به شوهران خود وابستگی مالی دارند.»

ضرورت شکل گرفتن زیرساخت‌های حمایتی از زنان

«روثا بیغم»، پژوهشگر سازمان دیده‌بان حقوق بشر در حوزه حقوق زنان خاورمیانه و شمال آفریقا نیز درباره این قانون می‌گوید: «قانون جدید خشونت علیه زنان مراکش بالاخره برخی از اشکال خشونت را که زنان ممکن است از سوی همسران و اعضای خانواده خود تجربه کنند به رسمیت شناخته است اما مراکش باید خलाهاى قانونی و نقصان‌ها را در این قانون تصویب شده لحاظ کند تا اطمینان یابد همه بازماندگان خشونت در برابر آزار مورد حمایت قرار می‌گیرند و پلیس و پیگرد کنندگان کار خود را به خوبی انجام می‌دهند.»

این انتقاد از آن رو انتقادی روا و به‌جاست که در نظر بگیریم در یک نظرسنجی ملی در این کشور تنها کمتر از پنج درصد از زنان که خشونت درون زناشویی را تجربه کرده‌اند، آن را به مقامات گزارش داده‌اند.

همچنین بسیاری از معدود زنان که پرونده کیفری باز کرده‌اند، از آن به دلیل فشار از سوی خانواده خود یا خانواده فرد آزارگر یا به خاطر وابستگی مالی به آزارگر خود، صرف‌نظر کرده‌اند.

نکته دیگری که در اینجا و در بحث خشونت خانگی علیه زنان در مراکش باید به آن پرداخته شود این است که اساساً در این کشور و شاید کشورهای دیگر خاورمیانه و شمال آفریقا، زیرساخت‌های حمایت از زنان در مقابل خشونت خانگی فراهم نیست.

بیشتر بخوانید:

[تقدم و تاخر فرهنگ و قانون در بحث خشونت خانگی](#)

[خشونت در خانه، جنایت در خیابان](#)

[پهره‌کشی آشکار از کودکان افغانستانی در ایران](#)

به گزارش دیده‌بان حقوق بشر کمتر از ۰۱ سرپناه در کشور مراکش آسیب‌دیدگان خشونت خانگی را می‌پذیرند و این محدود سرپناه‌ها ظرفیت محدودی دارند. همه آن‌ها نیز توسط سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی اداره می‌شوند و فقط تعداد کمی از آن‌ها از کمک‌های مالی دولتی بهره‌مند هستند.

بر این اساس بسیاری از قربانیان خشونت خانگی مجبور می‌شوند به شریک آزارگر خود رجوع کنند زیرا راهی برای حمایت و محافظت از خود ندارند یا از خود خانه‌ای ندارند.

در اینجا نیز بی‌پناهی اقتصادی زنان مانع از ایجاد یک سد سدید مقابل اقدامات خشونت‌گرانه است.

«سعیده کوزی»، یکی از بنیانگذاران سازمان حقوق زنان مراکش می‌گوید: «دسترسی به یک مسکن امن و ثابت یک مشکل جدی زنان خشونت‌دیده و کودکانشان است. این افراد اغلب مجبور به فرار از کار و مدرسه می‌شوند، بی‌خانمان می‌شوند یا دوباره به وضعیت خشونت برمی‌گردند.»

همکاری پلیس با خشونت‌گر

در مراکش نمونه‌هایی از خشونت علیه زنان وجود داشته است که در آن‌ها پلیس نیز به نوعی با خشونت‌گران همکاری کرده است.

دیده‌بان حقوق بشر در مصاحبه با بازماندگان خشونت خانگی در این کشور دریافته است که افسران پلیس از ثبت و ضبط اظهارات آن‌ها امتناع کرده‌اند و حاضر به انجام تحقیق درباره پرونده‌های آزار نشده‌اند و از دستگیری و بازداشت مظنونان خشونت خانگی حتی با وجود دستور مقامات قضایی امتناع کرده‌اند.

در برخی موارد پلیس حتی به آسیب‌دیدگان گفته است به آزارگر خود برگردند.

بر اساس چنین واقعیاتی است که «روثا بیغم» به دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید: «حمایت و حفاظت از زنان و دختران در مقابل خشونت خانگی نه تنها نیازمند تغییرات قانونی است بلکه نیاز به تامین مالی و حمایت سیاسی برای اجرا و خدمات‌دهی دارد. دولت مراکش گام

مهم و مثبتی در تصویب این قانون برداشته است اما اکنون باید آن را اجرایی کند و حمایت‌ها را بیشتر از این بسط دهد.»

در واقع تا زیرساخت اقتصادی - حمایتی از زنان در مقابل خشونت فراهم نیاید، وضع قوانین تاثیر چندانی نخواهد داشت. این واقعیت البته نافی آن نیست که قانون خوب قدمی مثبت در این مسیر به حساب نیاید.

!ای، پولت را هم بده‌عمرت را که داده

Photo: dimaberkut/depositphotos.com

معین خزانلی

خشونت اقتصادی که به عنوان استثمار اقتصادی یا سوء استفاده اقتصادی نیز شناخته می‌شود، پس از خشونت کلامی و روانی از شایع‌ترین خشونت‌های خانگی علیه سالمندان بوده و به دلیل وجهه پنهانش عواقب مخرب بیشتر و امکان کشف کمتری دارد.

از منظر بین‌المللی این نوع از خشونت علیه سالمندان بسیار فراگیر بوده و بسیاری از کشورها با ایجاد سازمان‌ها و موسسه‌های ویژه و تبیین قوانین مخصوص سعی در حمایت از افراد سالمند در برابر این نوع از خشونت خانگی کرده‌اند.

تنها در آمریکا بنا بر گزارش‌های موسسه ملی حمایت از بزرگسالان در ایالات متحده، از هر ۹ سالمند یک نفر به نوعی در طول دوران سالخوردگی خود خشونت و استثمار اقتصادی را تجربه می‌کند.

موضوع خشونت اقتصادی علیه سالمندان در ایران متأسفانه به دلیل عدم وجود آمار روشن در این زمینه و نیز خلاءهای قانونی بسیار و همچنین عدم وجود سازمان یا موسسه‌ای دولتی و غیردولتی (مربوط به آن)، مورد بی‌توجهی و بی‌مهری فعالان مدنی، کنشگران و نیز وکلای دادگستری و حقوقدانان قرار گرفته و با وجود شواهد بسیار مبنی بر گستردگی آن در ایران، هنوز جدی گرفته نشده است.

خشونت اقتصادی علیه سالمندان چیست؟

به طور کلی هر گونه اعمال فشار مالی بر فرد سالمند از جمله در مضیقه قرار دادن او یا عدم رفع نیاز مالی در صورت بضاعت و همچنین سلب استقلال مالی و اقتصادی فرد سالمند از طریق دخالت نابه‌جا در مسائل مالی شخصی او و نیز هر گونه استفاده بدون اجازه و رضایت از اموال و دارایی‌های فرد سالمند، به عنوان خشونت اقتصادی شناخته می‌شود.

از این منظر خشونت، سوء استفاده و استثمار اقتصادی فرد سالمند ممکن است به صورت عمدی و با قصد و هدف قبلی یا به صورت کاملاً غیر عمدی و صرفاً به دلیل افکار و عقاید غلط یا اشتباه سهوی در انجام وظیفه صورت گیرد.

در سوء استفاده و استثمار اقتصادی غیر عمد آنچه که پایه این خشونت را شکل می‌دهد وجود تفکری است که بر اساس آن فرد سالمند و سالخورده ناتوان از درک اوضاع اقتصادی روز تشخیص داده شده و از این رو اجازه تصمیم‌گیری در مورد وضعیت اقتصادی خود و به ویژه اموال شخصی‌اش از او گرفته می‌شود.

در حقیقت آنچه در این نوع از خشونت اقتصادی هدف قرار می‌گیرد استقلال مالی و اقتصادی فرد سالمند برای تصمیم‌گیری در مورد اموال و دارایی‌های خود و در نتیجه وابسته شدن او به فرد استثمارکننده است؛ هر چند آزارگر عمدی در رفتار خود مبنی بر آزار یا سوء استفاده از فرد سالمند نداشته باشد.

از معمول‌ترین موارد خشونت غیر عمد اقتصادی علیه سالمندان، مسدود سازی امکان دسترسی به حساب بانکی شخصی و نیز مسدود سازی امکان تصمیم‌گیری در مورد املاک و اموال غیر منقول است به نحوی که اختیار هر گونه دخل و تصرف در اموال و دارایی‌ها به طور کامل از فرد سالخورده سلب می‌شود و تحت نفوذ مطلق فرد آزارگر قرار می‌گیرد.

همچنین استفاده نادرست از اموال فرد سالمندی که به هر دلیل اختیار اموالش تحت اختیار فرد دیگری گذارده شده (مانند خرید وسایل و اموال غیر ضروری و گران یا تحمیل بار مالی نابه‌جا بر دوش سالمند)، اگر آگاهانه و از روی قصد نباشد، از جمله موارد رایج خشونت غیر

عمد اقتصادی علیه سالمندان است.

از طرف دیگر سوء استفاده و استثمار عمدی سالمندان بیشتر در بین سالمندانی که مبتلا به بیماری‌های مربوط به اختلال حواس و حافظه هستند، دیده می‌شود. البته این بدان معنی نیست که سالمندان غیر مبتلا از خشونت اقتصادی عمدی در امان می‌مانند. به عنوان مثال سالمندانی که تنها زندگی کرده و برای تامین نیازهای روزانه خود به دیگران وابسته هستند نیز از جمله قربانیان معمول سوء استفاده عمدی اقتصادی خواهند بود.

بیشتر بخوانید:

[کودک همسری، داستان یک جنایت](#)

[زنان دارای معلولیت، قربانیان سکوت قانون در ایران](#)

[سالمندان؛ قربانیان پنهان خشونت خانگی](#)

قرض کردن پول از دیگران به اسم سالمند بدون اطلاع او، قرض کردن پول از سالمند و پس ندادن آن، تحمیل مخارج زندگی بر دوش سالمند بدون رضایت او، استفاده و تصاحب بدون اجازه و رضایت حقوق ماهانه، پول، وسایل منزل و املاک سالمند، عدم تامین نیازهای مالی فرد سالمند در صورت استطاعت مالی، اعمال فشار روحی و روانی بر سالمند به منظور متقاعد کردن او در هزینه کردن دارایی خود در یک زمینه به خصوص مانند فشار بر او در امضای دسته چک شخصی، اعمال فشار بر فرد سالمند مبنی بر نوشتن وصیت‌نامه یا وکالت‌نامه علی‌رغم میل باطنی، تلاش برای فریب سالمند در راستای منافع دیگران و علیه منفعت شخصی مثلاً به منظور عقد یک قرارداد مالی، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تقلب در ارائه صورت‌حساب‌های مالی به فرد سالمند به منظور دریافت وجه بیشتر و...، از جمله شایع‌ترین موارد خشونت اقتصادی عمدی علیه سالمندان هستند.

سالمندان از آنجا که ممکن است دچار اختلال حواس، بی‌حوصلگی یا اعتماد بیش از حد به افراد باشند، معمولاً اهداف مناسبی برای سوء استفاده و استثمار اقتصادی‌اند. ضمن اینکه اساساً ممکن است به دلیل کهولت سن در مواردی که پی به نیت آزارگر و استثمار کننده می‌برند، در برابر او واکنشی نشان ندهند. در مواردی هم که فرد آزارگر از افراد نزدیک به سالمند است، آنان به دلایلی مانند وابستگی به او یا حفظ آبروی خود و خانواده، معمولاً از ایستادگی یا اقدام قانونی علیه او خودداری می‌کنند.

از سوی دیگر با توجه به پیشرفت تکنولوژی در زمینه امور بانکی، سالمندان ممکن است به راحتی بازیچه تقلب و سوء استفاده فرد استثمار کننده شوند. به علاوه افراد سالمند، به ویژه آنها که تنها زندگی می‌کنند، به طور معمول نیاز به کمک دیگران داشته و از این رو ممکن است به طور خواسته یا ناخواسته هدف استثمار اقتصادی آنها قرار گیرند.

از آنجا که اساساً ذات و ماهیت خشونت اقتصادی تمامیت‌خواهانه و بر پایه قدرت‌طلبی و کنترل مطلق یک رابطه است، خروج از چنین رابطه معیوبی برای افراد جوان‌تر قربانی خشونت اقتصادی مشکل است؛ چه رسد به آنکه قربانی، سالمند باشد.

اما خشونت اقتصادی علیه سالمندان علاوه بر وابسته کردن قربانی به آزارگر اثرات مخربی بر احساسات و نیز کرامت و اعتماد به نفس فرد قربانی گذارده و او را از نظر روانی آزرده و حساس می‌کند به نحوی که فرد قربانی ممکن است دچار حس ترس و عدم امنیت دائمی شده و به افسردگی حاد دچار شود.

ضمن اینکه به طور معمول فرد آزارگر یا استثمار کننده در این نوع از خشونت علیه سالمندان از نزدیک‌ترین افراد به او هستند به طوری که در ۰۹ درصد موارد، فرد سالمند قربانی این نوع خشونت از سوی اعضای نزدیک خانواده خود (فرزندان یا نزدیکان قابل اعتماد) است و آنان از او سوء استفاده مالی می‌کنند.

چه باید کرد؟

خشونت و سوء استفاده اقتصادی از سالمندان در برخی کشورها به صورت جداگانه و مشخص جرم‌انگاری شده و قوانین مدون و معینی در مورد آن وجود دارد. ضمن اینکه در این کشورها سازمان‌ها و موسساتی متشکل از کمیته‌های دولتی یا غیر دولتی به طور ویژه در این زمینه فعال هستند و هدف آنها حمایت از سالمندان در برابر انواع خشونت از جمله خشونت اقتصادی است.

در ایران تنها به جز در یک مورد (زمانی که فرزندان فرد سالمند از تامین نیازهای مالی او در صورت استطاعت مالی سر باز می‌زنند)، قوانین موضوعه هیچ اشاره‌ای به حقوق اقتصادی سالمندان یا اعمال مجرمانه احتمالی علیه آنان (در موارد خشونت اقتصادی خانگی) نکرده‌اند.

بر این اساس تنها تامین مالی والدین سالخورده بر اساس ماده ۶۹۱۱ قانون مدنی بر عهده فرزندان گذارنده شده و تمرد از اجرای آن در صورت داشتن توانایی مالی بنا بر ماده ۳۵ قانون حمایت از خانواده، جرم‌انگاری شده است.

این عدم پرداختن به موضوع خشونت اقتصادی علیه سالمندان در قوانین موضوعه ایران در حالی است که عدم تامین نیاز مالی از سوی فرزندان تنها بخش کوچکی از موارد خشونت اقتصادی علیه سالمندان را تشکیل داده و دایره خشونت‌های اعمال شده بسیار بیشتر از آن است.

به عنوان مثال در زمینه تلاش برای فریفتن سالمند از طریق ارائه اسناد یا فاکتورهای دروغین، قوانین ایران هیچ قانون مجزا و مشخصی برای زمانی که قربانی فردی سالمند است، ندارد؛ اگرچه در صورت شکایت فرد سالمند یا شخص دیگری به نمایندگی از او می‌توان با استناد به مواد فصل پنجم قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۹۳۱ حق ضایع شده فرد سالمند را باز پس گرفت.

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

همچنین در موارد استفاده یا تصاحب دارایی‌ها و املاک فرد سالخورده، قوانین کلی قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده در مورد خیانت در امانت (مواد ۳۷۶ و ۴۷۶) و نیز قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (به ویژه ماده یک) می‌تواند برای استیفای حق سالمند مورد استفاده قرار گیرد. ضمن اینکه مواد ۸۶۶ و ۹۶۶ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده در موارد اجبار یا اکراه فرد سالخورده به انجام عملی مالی، می‌توانند مورد استناد قرار گیرند.

در عین حال اما در تمامی این موارد بار حقوقی اثبات جرم همچنان بر عهده مدعی (فرد سالمند) است که با توجه به شرایط او غیر عادلانه و غیر منطقی به نظر می‌رسد، چرا که به طور معمول احتمال فریفته شدن فرد سالمند یا تحت اجبار و اکراه قرار گرفتن او یا مورد خیانت واقع شدن او با توجه به شرایط کهولت سن و اضمحلال قوه درک و تحلیل از دیگران بیشتر بوده و از این رو نمی‌توان با توجه به استنادات عقلی و منطقی عادی، با این موضوع برخورد کرد.

به این ترتیب برای حمایت از حقوق مالی و اقتصادی سالمندان در این موارد به قوانین حمایتی مشخص و ویژه نیاز است و جای خالی این قوانین در شرایط امروز ایران به شدت احساس می‌شود. موضوعی که نیاز بیشتر به فعالیت کنشگران، فعالان مدنی و حقوقی را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

با وجود این اما در شرایط فعلی استفاده از /استناد به قوانین اشاره شده فوق در صورت شناسایی موارد خشونت خانگی اقتصادی علیه سالمندان - به ویژه استفاده از ماده ۶۹۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده - می‌تواند مسکنی برای این خلاء قانونی باشد. (۱)

-پانویس:

۱. ماده ۶۹۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده: «هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوایج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب یا هر گونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می‌شود، به هر نحو تحصیل نماید، علاوه بر جبران خسارات مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ۰۱ میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب، ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات او علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.»

بی‌ردی از کبودی

Photo: coka/bigstockphoto.com

دنا دادبه

سمیه زنی ۸۳ ساله است با مدرک کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه علامه طباطبایی. پدرش کارمند سپاه بود و سمیه از ۳۱ سالگی عاشق همکار پدرش شد که ۵۱ سال از او بزرگتر بود. او دوره کودکی و نوجوانی را در جلسه‌های عزاداری حاج منصور ارضی گذرانده بود و

همسرش را در همان دوران انتخاب کرده بود. همسری مذهبی که این روزها فضای آرام خانه را پریشان کرده است.

سمیه گاهی اوقات در دوران دبیرستان احساس می کرد مفصل هایش تیر می کشند و حتی گاهی از شدت درد خوابش نمی برد، ولی هیچ وقت مشکل را جدی نگرفته بود. به محض فارغ التحصیل شدن از دبیرستان ازدواج کرد و هیچ وقت فرصت نکرد این مشکل را با پزشک در میان بگذارد.

اما چند سالی است که سمیه متوجه شده درد همیشگی ناشی از بیماری آرتروماتوئید یا همان روماتیسم مفصلی است. روماتیسم مفصلی موجب التهاب، درد و تورم مفاصل بدن می شود. این بیماری معمولاً مزمن است و در دراز مدت می تواند موجب تخریب مفصل شود. این بیماری می تواند در هر سنی بروز کند ولی بیشتر در سن 40 تا 60 سالگی دیده می شود. روماتیسم مفصلی در زنان سه برابر بیشتر از مردان شایع است.

این روزها اما چیزی که بیش از همه سمیه را رنج می دهد، بیماری نیست بلکه تغییر رفتار همسرش است. همسرش که روزهای اول با دلداری و همراهی در انجام معاینات و آزمایش های پزشکی باعث دلگرمی شده بود، حالا تبدیل به غریبه ترین و دلسنگ ترین فرد زندگی اش شده است.

او به وکیل خانه امن می گوید: «برای این که رشد سریع بیماری را مهار کنم، ناچارم قرص های مخصوصی استفاده کنم که بسیار گران هستند و باید از خارج از ایران تهیه شوند. همسرم هر بار که زمان سفارش قرص ها می رسد، بهانه ای درست می کند، دعوایی راه می اندازد تا خرید قرص ها را به تاخیر بیندازد. قرص ها که به تاخیر می افتند، توان حرکتی من کم می شود و مجبور می شوم روی زمین بخزم. نمی توانم درست راه بروم، بنشینم و از همه مهم تر نمی توانم کارهای خانه را انجام دهم. همسرم هفته ها با من قهر می کند و در طول این روزها مرا به فحش و ناسزا می بندد.»

وکیل خانه امن از او می پرسد که آیا منبع درآمدی دارد یا نه؟ سمیه در پاسخ می گوید: «بعد از دانشگاهم کار می کردم ولی شدت بیماری اجازه نداد به کار ادامه دهم. این شد که به لحاظ مالی وابسته به همسرم هستم.»

سمیه بزرگترین مشکلش را عدم همکاری همسرش در پرداخت هزینه دارو عنوان می کند.

حمایت گران خوشونت خانگی بر این باور هستند که خوشونت اقتصادی علیه زنان یکی از بی صداترین و در عین حال شدیدترین انواع خوشونت است. خوشونت اقتصادی در دادگاه های ایران به سختی و حتی در بیشتر پرونده ها غیر قابل اثبات است. خوشونت اقتصادی نه ردی از کتک بر چهره باقی می گذارد و نه اثر کبودی از جنس لگد.

خوشونت اقتصادی چیست؟

سازمان «[شبکه ملی برای پایان دادن به خوشونت اقتصادی](#)»، خوشونت اقتصادی را اینگونه تعریف می کند:

«خوشونت اقتصادی خوشونت رایجی است که خوشونت گر به منظور به دست آوردن قدرت و کنترل بر روی قربانی مرتکب می شود. این خوشونت ممکن است به صورت پنهانی و یا آشکار باشد اما در کل، شامل تاکتیک هایی برای محدود کردن یا از بین بردن دسترسی شریک زندگی به دارایی ها یا پنهان کردن اطلاعات مربوط به آن است.»

این سازمان انواع خوشونت اقتصادی را این گونه دسته بندی می کند :

- منع قربانی از اشتغال

- سلب کار یا فرصت های شغلی با تهدید، آزار و اذیت قربانی در محل کار و یا ایجاد تشنج قبل از جلسه ها یا مصاحبه های مهم

- کنترل چگونگی استفاده از درآمد خانواده

- جلوگیری از دسترسی قربانی به حساب های بانکی

- منع قربانی از شرکت در آموزش شغلی یا فرصت های پیشرفت

- مجبور کردن قربانی برای نوشتن چک های هنگفت یا پرداخت مالیات جعلی

-بالا بردن حجم بدهی در حساب‌های مشترک و یا گرفتن وام‌های اعتباری سنگین

-قبول نکردن پیشنهادهای شغلی به منظور وارد کردن فشار اقتصادی بر خانواده و یا کمک نکردن به درآمد خانواده

-فراهم نکردن و یا محدود کردن منابع مالی برای قربانی یا کودکان خانواده برای تامین نیازهای اساسی مانند غذا و دارو

-مخفی کردن دارایی‌ها

-سرقت هویت قربانی، اموال یا ارث

-مجبور کردن قربانی به کار در تجارت خانواده بدون پرداخت هزینه

-رد درخواست پرداخت مالی برای حمایت از کودک در روند طلاق با پنهان کردن دارایی

خشونت اقتصادی در قوانین ایران

قبل از هر چیز باید گفت که قانون‌گذار ایران نه تنها به موضوع خشونت خانگی و به دنبال آن خشونت اقتصادی اشاره نکرده، بلکه این حق را برای مرد قایل شده که با دلیل و بی دلیل هر زمان که اراده کرد همسرش را طلاق دهد. با این وجود در پرونده سمیه، همسر او در عین حال که شرایط عاطفی، روحی و اقتصادی زندگی سمیه را در تنگنا قرار داده، حاضر به طلاق او نیست. حال می‌خواهیم بدانیم با شرایط موجود در قوانین ایران، چه گزینه‌هایی برای سمیه وجود دارد.

اجبار شوهر به پرداخت نفقه

قانون مدنی ایران می‌گوید نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن مانند مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی. سمیه می‌تواند با مراجعه به مجتمع قضایی خانواده دادخواست اجبار به پرداخت نفقه ارائه دهد چرا که بر اساس ماده ۱۱۱۱ زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت قاضی، میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.

اجبار شوهر به طلاق

در این پرونده در صورتی که سمیه به دلیل آسیب جسمی و روانی ناشی از اهمال همسرش در پرداخت هزینه‌های درمانی (عسر و حرج)، تمایل به ادامه زندگی مشترک نداشته باشد، می‌تواند با مراجعه به نزدیک‌ترین مجتمع قضایی محل سکونتش درخواست طلاق دهد.

ماده ۳۱۱ قانون مدنی می‌گوید: «در مورد زیر زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند و در صورتی که برای محکمه ثابت شود که ادامه زناشویی برای زن موجب عسر و حرج است، می‌تواند برای جلوگیری از ضرر، مرد را مجبور به طلاق کند و در صورت سربلایی مرد، با اجازه از حاکم شرع، زن را طلاق دهد. تبصره این ماده، عسر و حرج را تعریف می‌کند.»

طبق این تبصره، عسر و حرج به معنی به وجود آمدن وضعیتی است که ادامه زندگی را برای زن با مشقت همراه ساخته و تحمل آن را مشکل می‌کند. همین تبصره مواردی از مصادیق عسر و حرج را برمی‌شمارد اما در انتهای تبصره اضافه می‌کند که اگر وضعیت پیش آمده خارج از مصادیق عنوان شده باشد، در صورت تشخیص قاضی می‌تواند از مصادیق عسر و حرج محسوب شده و دادگاه بر اساس آن حکم طلاق صادر کند.

بررسی مقایسه‌ای کشورها

هند سال ۲۰۰۲ خشونت اقتصادی را جرم‌انگاری کرد و برای فرد خشونت‌گری که با خشونت اقتصادی باعث آسیب اعضای خانواده خود می‌شود، یک سال حبس و جریمه نقدی در نظر گرفت.

آمریکا هم انواع خشونت خانگی از جمله خشونت اقتصادی را جرم‌انگاری کرده و هر ایالت مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته است. همچنین قانون توانبخشی و امنیت اقتصادی، به منظور آزادی و برابری بیشتر اقتصادی قربانیان خشونت خانگی، با ارائه کمک‌های فوری سعی کرده تمهیداتی جهت اولویت آن‌ها در شرایط استخدامی، جبران خسارت بیکاری و ممنوعیت تبعیض شغلی فراهم کند.

کشورهای اروپایی هر یک رویکرد متفاوتی به خشونت اقتصادی علیه زنان داشته‌اند. تقریباً همه آنها خشونت اقتصادی را به طور کلی زیر مجموعه خشونت خانگی عنوان کرده و برای آن مجازات‌های مختلف در نظر گرفته‌اند. رویکرد بعضی از کشورها بیشتر جنبه پیشگیرانه و

بازدارنده داشته و بعضی دیگر جنبه تنبیهی. با این همه حتی در کشورهایی مانند کشورهای اسکاندیناوی که جنبه پیشگیرانه قوی تر از جنبه تنبیهی است، [آمار](#) نشانگر این است که هنوز میزان خشونت خانگی بالا و حتی در بعضی موارد بیش از دیگر کشورهای اروپایی است. همین موضوع اهمیت زیاد پرداختن به موضوع خشونت خانگی، خصوصا خشونت اقتصادی علیه زنان را نشان می دهد، چرا که خشونتی بی سروصدا اما کشنده است.

خشونت اقتصادی تصاحب اموال همسر، قانون چه می گوید؟

Photo: SvetaZi/Bigstockphoto.com

موسی برزین خلیفه‌لو، وکیل خانه امن

پرسشگر: سلام! من ۷ سال قبل ازدواج کردم. دو سال پس از ازدواج صاحب یک فرزند شدم اما متأسفانه شوهرم سه سال پیش در اثر بیماری فوت کرد. الان پسر من پنج ساله است. یک سال و نیم قبل دوباره ازدواج کردم. این مرد هم قبلا یک ازدواج ناموفق داشت اما فرزندی نداشت. به هر حال قول و قرارهایی گذاشتیم و ازدواج کردیم. از همسر سابقم مقداری پول مانده بود و یک ماشین و رهن خانه. وقتی با این مرد ازدواج کردم ایشان چون خانه نداشت به خانه من آمد. آن مقدار پولی هم که از همسر سابقم مانده بود به شوهرم دادم تا یک مغازه باز کند. ماشین هم تقریبا در اختیار ایشان است.

پس از مدتی متوجه شدم که ایشان مشکلات رفتاری دارد. مرتبا با پسر من بدرفتاری می کند و حتی یکبار به صورتش سیلی زد. اوایل فکر می کردم اصلاح می شود اما روز به روز رفتارش بدتر شد. مرتبا فحش و ناسزا می دهد. مخارج خانه را نیز به درستی تامین نمی کند. می گوید که من وظیفه ندارم خرجی پسر تو را بدهم. برو از پدر بزرگش بگیر در حالی که مغازه اش را با پولی که متعلق به من و پسر من است راه اندازی کرده است.

همچنین مرتبا با دوستانش خوشگذرانی می کند و حتی بعضی شبها به خانه نمی آید از آنجا که خانواده ام نیز مخالف ازدواجم با این مرد بودند به آنها هم نتوانستم مساله را بگویم. خیلی در مضیقه هستم. فکر می کنم اشتباه کردم که با ایشان ازدواج کردم. چند سوال از شما دارم. آیا مسئول تامین هزینه من و پسر من ایشان نیست؟ چطور می توانم پولی را که به او دادم پس بگیرم؟

وکیل خانه امن: سلام خانم محترم. بر اساس قانون مدنی ایران نفقه زوجه بر عهده زوج است. بنابراین شوهرتان موظف به پرداخت هزینه زندگی است. اما از آنجا که پسران فرزند ایشان نیست پرداخت نفقه در این مورد بر عهده شوهرتان نمی باشد. نفقه فرزندان اگر جد پدری اش زنده باشد با ایشان بوده و اگر نباشد با شما است. اما در مورد پولی که به ایشان داده اید می توانید نسبت به مطالبه آن اقدام کنید.

ابتدا با ایشان صحبت کنید اگر آن پول را ندهد به دادگستری بروید و اظهارنامه تنظیم کنید. اظهارنامه برگه ای است دارای دو قسمت. در یک قسمت شما از شوهرتان سوال می کنید. در قسمت مربوطه بنویسید که در تاریخ فلان مبلغ فلان به شما به عنوان قرض داده ام و هم اکنون خواهان دریافت مبلغی که دادم می باشم. این اظهارنامه به ایشان ابلاغ می شود. ایشان می توانند پاسخ دهند یا ندهند. به هر حال اگر در اظهارنامه به نوعی اعتراف و اقرار کرد که از شما پول قرض گرفته کار شما راحت خواهد بود. به دادگاه حقوقی می روید و با تنظیم دادخواستی و با استناد به اقرار خودش در اظهارنامه وجه را مطالبه می کنید. اما اگر در اظهارنامه اقراری انجام ندهد در دادگاه حقوقی باید اثبات کنید که پولی را به ایشان قرض داده اید. اگر شاهدهی دارید به دادگاه معرفی کنید. اگر به حسابش واریز کرده اید، فیش بانکی را به دادگاه ارائه دهید. به طور کلی باید هر سندی که بتواند دادن پول را اثبات کند به دادگاه ارائه کنید.

پرسشگر: من می خواهم از ایشان طلاق بگیرم. چون فکر می کنم که رفتارهای شوهرم در روحیه پسر من تاثیر بدی داشته است. چه کار باید بکنم؟ آیا می توانم مهریه ام را نیز مطالبه کنم؟

وکیل خانه امن: اگر قصد جدایی دارید ابتدا با شوهرتان صحبت کنید و ایشان را راضی به طلاق توافقی نمایید. چون [طلاق توافقی](#) بسیار راحت تر و سریع تر به نتیجه می رسد. اما اگر ایشان موافقت نکرد به دادگاه خانواده رجوع کرده و دادخواست صدور حکم طلاق بدهید. در دادخواست کلیه مشکلاتتان را توضیح داده و با اعلام بدرفتاری ها و خشونت های شوهرتان عنوان کنید که در وضعیت عسر و حرج قرار داشته و قادر به ادامه زندگی با ایشان نیستید. دادگاه در این مورد تصمیم گیری خواهد کرد. در مورد مهریه می توانید مهریه تان

را جداگانه یا طی دادخواست طلاق مطالبه کنید. دادگاه در نهایت همسران را محکوم به پرداخت مهریه می کند. اگر شوهرتان تمکن مالی نداشته باشد پرداخت مهریه تقسیط می شود.

دیدن مادرت شرط دارد: کل حقوق ماهیانه ات

Photo: leolintang/ bigstockphoto.com

شرط دیدن مادرم این بود که همه حقوق ماهیانه خود را به حساب همسرم بریزم و من از ترس آن که مبدا بعد از طلاق دو پسر را از من بگیرد سکوت می کردم.

نام من فروغ است و پس از گرفتن لیسانس علوم سیاسی ازدواج کردم. همسرم از اقوام بود و گاه گاهی او را در مهمانی ها و مراسم مختلف می دیدم و یک بار هم که خانوادگی به کیش رفتیم او هم با خانواده اش همسفر ما بود و پس از چند ماه به خواستگاری من آمد و در نهایت با توافق خانواده ها ازدواج کردیم.

قبل از ازدواج من در اداره دولتی شروع به کار کرده بودم و او هم مخالفتی با کار کردن من نداشت. پس از ازدواج باردار شدم و دوقلو پسردار شدم. زندگی سریع می گذشت و همسر من اندکی خسیس و اندکی هم شکاک بود ولی مادرم همیشه می گفت گل بی عیب خداست و من آرزو می کردم پس از به دنیا آمدن بچه ها بهتر می شود.

البته دروغ نگویم باورم این بود که زندگی الکی نیست که با این قبیل مشکلات اساسش را به هم بزنم و تلاش می کردم که با روش های مختلف رفتار او را آرام آرام تغییر دهم.

پسران من به دنیا آمدند و واقعا بزرگ کردن دو قلو برای من راحت نبود و برای همین تصمیم گرفتم که پس از تمام شدن مرخصی زایمان، مرخصی بدون حقوق بگیرم. تصمیمی که همسرم به شدت با آن مخالفت کرد.

هر وقت دعوا می کردیم به زور با من همبستر می شد

آغاز مشکلات جدی ما هم از همان روزی شروع شد که من این موضوع را با او مطرح کردم. او به شدت عصبانی شد و از کلماتی مانند مفت خور و بی عرضه و خونه من خونه خاله نیست مفت بخوری راست راست بچرخ استفاده کرد. برای اولین بار در حالی که من خیلی ناراحت بودم و بچه ها از صدای داد او ترسیده بودند و گریه می کردند با من همبستر شد.

خوشبختانه خانه پدر و مادر همسرم دو کوچه با ما فاصله داشت و من پس از تمام شدن مرخصی زایمانم در حالیکه هنوز آن ها را شیر می دادم راهی کار شدم. با پدر و مادر شوهرم حرف زدم و آن ها قول دادند که با او حرف می زنند ولی نه تنها حرف های آن ها تاثیر نداشت همسر من روز به روز خسیس تر می شد و همیشه پدر و مادر من و او بودند که سعی می کردند به عنوان کادو یا عیدهای مختلف بعضی مایحتاج من و بچه ها را تامین کنند.

او حتی حاضر نبود من و بچه ها را به یک پارک ببرد و همیشه حساب پول بنزین و استهلاک ماشین را می کرد و متاسفانه هر وقت به او اعتراض می کردم به زور با من همبستر می شد. انگار من یک زن غریبه هستم و در آن زمان هیچ محبتی نسبت به من نشان نمی داد و نمی دانست که این کارش از خسیس بودن و همه رفتارهایش بدتر است.

دیدن مادرم شرط داشت: کل حقوق ماهیانه ام

کم کم شروع کرد به گفتن این که همه چیز زیر سر مادرت است و این عفریته می خواهد زندگی من را نابود کند و اجازه نداری مادرت را ببینی. چند ماه اول مادرم را یواشکی خانه مادر شوهرم می دیدم و یا او برای دیدن من به محل کار من می آمد ولی همسرم فهمید و با بهانه این که تو پول پنهان می کنی و به خانواده ات پول می دهی روی من فشار گذاشت که حقوق ماهیانه ام مستقیم به شماره حساب او واریز شود.

مقاومت من را که دید گفت شرط من برای دیدن مادر و پدرت همین است که گفتم و من تسلیم شدم. خسته شده بودم و افسرده و همیشه

منتظر یک حادثه بودم. بچه هایم در آستانه کلاس اول بودند و حال روحی پسرها از من بدتر بود. مادرش هم توانایی بزرگ کردن دو قلوها را نداشت ولی جرات نداشت که بگوید من بچه‌ها را نگه نمی‌دارم.

از آن زمان حقوق من که قبلا هم کاملا در خانه خرج می‌شد یک سره راهی حساب بانکی ایشان شد و من احساس می‌کردم که دیگر هیچ قدرت دفاعی در برابر او ندارم. دچار خستگی و ناامیدی مطلق بودم و تنها امیدم دیدن خانواده‌ام، هر دو هفته یک بار بود.

مشاوری که زندگی من را عوض کرد

اداره ما مدتی یک مشاوره خانواده رایگان داشت و من از همین فرصت استفاده کردم و هر هفته به او مراجعه می‌کردم. می‌دانستم اگر طلاق بگیرم بچه‌ها را از من می‌گیرد و درست یا غلط به جدایی فکر نمی‌کردم ولی مشاور خانواده به من توصیه کرد به دنبال درآمدی دیگر ولو اندک باشم و همین پیشنهاد او نور کوچکی به قلب من باز کرد.

تمام دوران کودکی و تا قبل از ازدواج پدر و مادرم من را کلاس زبان گذاشته بودند و با این که زبان انگلیسی فرار است من شروع به تقویت خودم در زمینه ترجمه کردم. مشاور مهربان که سنش کمتر از من بود رابط من شد با یک دارالترجمه و برای من کار می‌آورد و پول‌هایش را به حساب خواهرم می‌ریخت.

پول‌های جمع شده برای من فقط پول نبودند راهی برای نجات و حتی بازگشت آرام سلامتی روحی من هم بودند طوری که یک بار او به من شک کرده بود و حتی به روی من آورد که چه خبر شده تازگی‌ها رنگ و رخت باز شده ولی من نشنیده می‌گرفتم و فقط می‌گفتم اداره کلاس ورزشی در نمازخانه برای خانم‌ها گذاشته که فکر کنم روی من تاثیر خوبی گذاشته و می‌دانستم که حتما او ته و توی کلاس ورزش را هم در می‌آورد.

مشاور خانواده با آنکه از اداره ما رفته بود ولی با من همچنان ارتباط داشت و تلاش می‌کرد بدون آنکه روی من فشار بگذارد و یا من را قضاوت کند فقط کمک کند که من قوی شوم.

پسرانم که چهارده ساله شدند من یک روز اسباب و اثاثیه ام را بستم، بچه‌هایم را به مادر شوهر مهربانم سپردم و به خانه پدرم که دیگر در این دنیا نبود برگشتم. با مدارکی که در این مدت از او جمع کرده بودم اقدام به درخواست طلاق کردم. دوران طلاق من ۲ سال طول کشید و در این مدت برای پسرانم گواهی رشد گرفتم. مهریه‌ام را دریافت کردم و حالا با پسرانم در خانه کوچکی که مثل بهشت است زندگی می‌کنم.

من زندگی خود را مدیون مشاور جوان خانواده هستم. مدیون کمک‌های آرام و گام به گام او که جرات و اعتماد به نفس را آرام و گام به گام به من برگرداند. مدیون دختر جوانی که امروز خودش مادر شده و همچنان نه به کارش که به کمک‌های داوطلبانه‌اش به افرادی چون من ادامه می‌دهد. [اگر شما هم مایل به همکاری داوطلبانه با خانه امن هستید این [فرم را پر کنید](#)].

نجات قربانی خشونت ممکن است زمان‌بر باشد ولی ممکن است. همچنان که من نجات یافتم. همسر من فکر می‌کرد با زور و اجبار و تهدید و محروم کردن خانواده‌اش از همه چیز همیشه دنیا به کام او می‌چرخید، ولی من به کمک آن مشاور جوان و پشتیبانی خانواده توانستم دنیای خودم را جور دیگری بچرخانم، آن طوری که مطابق میل من و فرزندانم بود.

به مناسب روز جهانی سالمند: آنها پدر و مادرهایشان را می‌کشند

Photo: [painless/bigstockphoto.com](https://www.bigstockphoto.com)

صبا امیدوار

آگهی کرده بود، مردی 75 ساله ده روز است از خانه بیرون رفته و بازنگشته، سه روز بعد جسد پدر را برایش آوردند، نمی‌دانست برادرش یک روز صبح دست پدر را گرفت اول به بانک رفت حساب بازنشستگی‌اش را خالی کرد و بعد در همه‌جا بازار تجریش رهایش کرد به

امان خدا. پدرحافظه نداشت، چشم نداشت و اصلاً باور نداشت که چه شده. عابران گفته بودند همانطور که داد می‌زد: «محسن جان»، «محسن جان» تصادف کرد.

براساس آمارهای غیررسمی 87 درصد سالمندان در طول عمر خود برای یکبار هم که شده آزار و اذیت را تجربه می‌کنند.

سال گذشته فرید براتی سده، رییس دبیرخانه شورای ملی سالمندان در روزنامه اعتماد نوشت، بررسی 61 مورد پرونده سالمند آزاری در پزشکی قانونی یکی از استان‌های ایران نشان می‌دهد که، کمترین موارد سالمند آزاری، جسمی و بیشترین آنها آزار و بهره‌کشی‌های مالی بوده است. به گفته براتی، یکی از اصلی‌ترین سالمند آزاری‌ها در کشور که از دیر باز هم در ایران وجود داشته و به نظر می‌رسد بسیاری، اصولاً آن را در زمره آزار رساندن به سالمندان نمی‌دانند، بهره‌کشی و استثمار مالی از این قشر است.

هم پولشان را می‌گیرند؛ هم جانشان را

آنها زود می‌میرند، در طول دوران سالمندی‌شان دستشان حتی به جیب خودشان هم نمی‌رسد، پول همه عمرشان را به خودشان نمی‌دهند، هم پولشان را می‌گیرند؛ هم جانشان را.

پژوهشگران در یک مطالعه دریافته‌اند که تنها 9 درصد سالمندانی که مورد آزار قرار گرفته‌اند، زنده می‌مانند، در حالی که این عدد در سالمندانی که در شرایط مناسب نگهداری می‌شوند به 40 درصد می‌رسد.

بنا به این تحقیقات، 91 درصد از سالمندانی که مورد آزار قرار می‌گیرند فوت می‌کنند و تنها 9 درصد آنها زنده می‌مانند.

انواع خشونت مالی از سالمندان

محمد اولیایی فرد وکیل دادگستری ساکن کانادا سواستفاده مالی از سالمندان را اینگونه تقسیم بندی می‌کند.

او می‌گوید، در مضیقه مالی قرار دادن سالمندان و یا سلب استقلال اقتصادی آنها، بعد از خشونت روانی، ازعمومیت بیشتری در مورد سالمندان برخوردار است.

به گفته او، سالمندانی که تحت این نوع از خشونت قرار می‌گیرند به سه گروه قابل تقسیم هستند.

گروهی که اندوخته مالی ندارند و یا به جهت قرار نداشتن در پوشش بیمه‌های تامین اجتماعی و یا نداشتن حقوق بازنشستگی دچار فقر و وابستگی اقتصادی به خانواده یا دیگران شده و دقیقاً به جهت همین وابستگی اقتصادی، قربانی خشونت هستند.

گروه دیگر از سالمندان، اموال و اندوخته مالی دارند، اما اموال و دارایی نقدی و غیرنقدی خود را به هر دلیل از جمله به عنوان تقسیم ارث در زمان حیات، به فرزندان و نزدیکان خود می‌بخشند و در نتیجه مانند سالمندان گروه اول به دلیل عدم دارایی دچار وابستگی اقتصادی به خانواده شده و مورد خشونت اقتصادی یا در معرض مضیقه مالی از سوی خانواده می‌گیرند.

و گروه دیگر که علی‌رغم اینکه در دوران سالخوردگی دارای اموال و دارایی هستند و اندوخته مالی خود را نیز رسماً بین اعضای خانواده یا افراد دیگر تقسیم یا نبخشیده‌اند ولی تسلط و استیلائی بر اموال و دارایی خود ندارند تا حدی که حتی حق دسترسی به حساب بانکی و یا حق تصمیم‌گیری و اداره یا حق مالکیت بر اموال از آنها از سوی اعضای خانواده یا افراد دیگر سلب شده است.

خشونت را چگونه می‌توان محدود کرد؟

از این وکیل دادگستری راهکاری می‌پرسم برای محدود شدن این خشونت‌ها بر سالمندان، او می‌گوید، برای پیشگیری از قرار گرفتن در برابر خشونت اقتصادی در دوران سالخوردگی لازم است که اولاً افراد به دوران سالمندی بعنوان پدیده‌ای قابل انتظار و اجتناب‌ناپذیر نگریسته و تدابیری اتخاذ کنند وابستگی اقتصادی به خانواده یا دیگران نشوند و دوم سالمندان باید از تقسیم یا بخش همه اموال و دارایی خود تحت هر عنوان از جمله تقسیم ارث، در زمان حیات پرهیز کنند و تا آنجا که ممکن است اداره اموال و دارایی هایشان را خودشان بر عهده گرفته تا از سلب استقلال اقتصادی خود جلوگیری کنند.

اما حسین قاضیان جامعه شناس ساکن آمریکا تعریف دیگری از خشونت اقتصادی در سالمندی دارد، او می‌گوید، من شخصاً تعبیر «بدرفتاری مالی» یا «اقتصادی را بر» خشونت «ترجیح می‌دهم.

به نظر او بهتر است تعبیر خشونت را در شکل «خشونت جسمی» محدود کنیم. این جامعه شناس ادامه می‌دهد، اما بدرفتاری مالی یا خشونت اقتصادی اصطلاحی است که معمولاً ناظر است به روابط زوجها و عموماً در چارچوب خانواده. مقصود اشاره به موقعیتی است که یکی از زوجها از منابعی به اندازه‌ی دیگری برخوردار نیست. در نتیجه، طرف بهره‌مند تر به دلیل موقعیت برتر مالی و نیاز طرف فروتر،

از آن موقعیت برتر برای بدرفتاری و تحمیل و اجبار به دیگری استفاده یا بهتر بگوییم سوءاستفاده می کند.

به این ترتیب، آن نوع بدرفتاری مالی که یکی از زوجها در قابل زوج سالمند (یا یکی دیگر از اعضای خانواده در قبال عضو سالمند دیگر، مثلاً فرزند در قابل یکی از والدین سالمند یا هر دوی آنها) انجام می دهد، مصداقی است از بدرفتاری مالی با سالمندان.

از قاضیان پرسیدم آیا تغییر و بی ثباتی در ساختار خانواده، می تواند باعث افزایش پیرآزاری شود؟

او گفت، بی ثباتی خانوادگی تاثیر مستقیمی بر بدرفتاری مالی ندارد. از طرف دیگر بدرفتاری هم لزوماً موجب بی ثباتی نمی شود. در واقع ممکن است خانواده ای که در آن بدرفتاری مالی وجود دارد، از ثبات برخوردار باشد، زیرا برای طرفی که زیر ضرب این بدرفتاری است، به صورت بالفعل انتخاب چندان بهتری وجود ندارد و در زندگی خانوادگی باقی می ماند بدون این که آن زندگی از کیفیت لازم برخوردار باشد.

قانون چه می گوید؟

محمد اولیایی فرد وکیل دادگستری مقیم کانادا از مجازات هایی می گوید که قانون مشخصاً برای پیرآزاری تعریف کرده است.

او می گوید: پدیده سالمند آزاری بطور کلی در قوانین ایران بطور مشخص و خاص مورد بحث یا جرم انگاری قرار نگرفته و این موضوع بیشتر تحت مقررات کلی مطرح شده، اما با این حال در مواردی خاص و بطور محدود در قوانین موضوع بزه دیدگی سالمندان مورد پیش بینی قانونی قرار گرفته است.

از جمله در مورد ترک انفاق سالمندان بعنوان اشخاص واجب النفقه که مطابق ماده 53 قانون حمایت از خانواده مورد جرم انگاری واقع شده است.

ماده 633 قانون مجازات اسلامی هم می گوید: هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت از خود نیست را در محلی که خالی از سکنه است رها کند، به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون ریال تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا فوت شود رها کننده حسب مورد به پرداخت دیه یا ارزش و یا قصاص محکوم می شود.

از این وکیل دادگستری رسیدم، راه کارهای قانونی برای جلوگیری از خشونت بر سالمندان چیست؟

او معتقد است، بخش عمده ای از راه کارها و تدابیر لازم برای جلوگیری از این نوع خشونت باید توسط خود سالمند اتخاذ شود.

اما به گفته او، حمایت از سالمندان در اصول قانون اساسی به جهت جلوگیری از خشونت اقتصادی علیه آنها مورد توجه قرار گرفته است از جمله در بند 4 اصل بیست و یکم به طور ویژه ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست در جهت تضمین حقوق زن مورد تاکید قرار گرفته است.

همچنین در اصل بیست و نهم نیز، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و از این قبیل را حقی همگانی دانسته است که دولت موظف است آن را برای تمامی افراد کشور از جمله سالمندان تأمین کند.

این وکیل دادگستری با اشاره به بندهای دیگر قانون می گوید، علاوه بر اینها داشتن مسکن متناسب با نیاز برای عموم مردم در اصل سی و یکم ذکر شده که شامل سالمندان نیز می شود.

منشور حقوق سالمندان

این وکیل به قانون حمایت از سالمندان اشاره می کند و می گوید، بر اساس منشور حقوق سالمندان که براساس قانون برنامه سوم توسعه جهت رسیدگی به وضعیت رفاهی سالمندان تنظیم شده از جمله این موارد است.

بر اساس قانون برنامه سوم توسعه سازمان بهزیستی کشور مکلف است در جهت ساماندهی سالمندان نیازمند در سال اول برنامه سوم نسبت به تهیه، تدوین و اجرای طرح ساماندهی اقدام کند.

او می گوید، براساس آئین نامه اجرایی این قانون منظور از ساماندهی، بهبود روش زندگی و ارتقای کیفیت آن و ایجاد رضایت از زندگی در سالمندان از طریق ارائه خدمات رفاهی، بهداشتی، درمانی و توانبخشی با رعایت سیاست هایی چون فراهم ساختن امکان تداوم حضور سالمند در جامعه، تأکید بر حفظ موقعیت و جایگاه سالمند در خانواده، تأمین حداقل نیازهای اساسی سالمندان نیازمند، تأکید بر حفظ

احترام، شأن و حرمت سالمند، است.

از همه مهمتر در ماده 22 این آیین نامه قید شده که به منظور پیشگیری از اعمال خشونت علیه افراد سالمند در خانواده و جامعه ضروری است دستگاه‌های ذی‌ربط ضمن پیشنهاد و جلب حمایت‌های قانونی اقدامات لازم را انجام دهند. البته با پایان یافتن مدت زمان اجرای برنامه سوم توسعه، اجرای کامل این قانون نیز در ابهام قرار دارد.

جمعیت آنها در حال رشد است

مهرماه‌ی که گذشت، فرید براتی سده رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان بهزیستی کشور از تصویب برنامه پیشگیری و مقابله با سالمندان آزاری خبر داد.

سالمندانی که برآوردها نشان می‌دهد رشد جمعیت آنها تا سال 1404 سه برابر رشد جمعیت کشور می‌شود.

در میان آنها، گروهی هستند که از دیگر همسالان خود آسیب‌پذیرترند. آنها سالمندانی هستند که ممکن است با فرد آسیب‌رسان در یک مکان و زیر یک سقف زندگی کنند.

سالمندانی که دچار بیماری‌های متعدد و ناتوانی‌های جسمی هستند که باعث وابستگی بیشتر آنها می‌شود.

آنها از نظر اجتماعی منزوی‌ترند و هیچ ارتباطی با دنیای خارج ندارند و از طرد یا کنار گذاشته شدن و بی‌توجهی واهمه دارند یا دچار افسردگی و زوال عقل می‌شوند.

حسین قاضیان جامعه‌شناس می‌گوید، امروزه پول نقشی مهم‌تر از هر وقت دیگر پیدا کرده، حتی در تعیین منزلت - گرچه شاید به شکل ظاهری و نمایشی. وقتی سالمندان از نظر اقتصادی در مضیقه باشند، با توجه به کاهش توانایی‌های بدنی، می‌توان انتظار داشت که اقتدار آنها هم در تصمیم‌گیری‌ها هم کاهش می‌یابد. کاهش اقتدار البته می‌تواند روندی طبیعی باشد، اما اگر سالمندان دائماً آن را با میزان اقتدار پیشین مقایسه کنند از نظر روانی روزگار سختی را از سر خواهند گذراند.

بیشتر بخوانید: [خشونت علیه سالمندان در اسناد بین‌المللی و قوانین ایران](#)

بیشتر بخوانید: [سالمندانی که احساس بی‌حرمتی می‌کنند](#)

خشونت اقتصادی تصاحب اموال همسر، قانون چه می‌گوید؟

Photo: GCammarata/bigstockphoto.com

موسی برزین خلیفه‌لو، وکیل خانه امن

پوششگر: سلام! من 7 سال قبل ازدواج کردم. دو سال پس از ازدواج صاحب یک فرزند شدم اما متأسفانه شوهرم سه سال پیش در اثر بیماری فوت کرد. الان پسر من پنج ساله است. یک سال و نیم قبل دوباره ازدواج کردم. این مرد هم قبلاً یک ازدواج ناموفق داشت اما فرزندی نداشت. به هر حال قول و قرارهایی گذاشتیم و ازدواج کردیم. از همسر سابقم مقداری پول مانده بود و یک ماشین و رهن خانه. وقتی با این مرد ازدواج کردم ایشان چون خانه نداشت به خانه من آمد. آن مقدار پولی هم که از همسر سابقم مانده بود به شوهرم دادم تا یک مغازه باز کند. ماشین هم تقریباً در اختیار ایشان است.

پس از مدتی متوجه شدم که ایشان مشکلات رفتاری دارد. مرتباً با پسر من بدرفتاری می‌کند و حتی یکبار به صورتش سیلی زد. اوایل فکر می‌کردم اصلاح می‌شود اما روز به روز رفتارش بدتر شد. مرتباً فحش و ناسزا می‌دهد. مخارج خانه را نیز به درستی تامین نمی‌کند. می‌گوید که من وظیفه ندارم خرجی پسر تو را بدهم. برو از پدر بزرگش بگیر در حالی که مغازه اش را با پولی که متعلق به من و پسر من است راه اندازی کرده است.

همچنین مرتباً با دوستانش خوشگذرانی می‌کند و حتی بعضی شبها به خانه نمی‌آید از آنجا که خانواده ام نیز مخالف ازدواج با این مرد بودند به آنها هم نتوانستم مساله را بگویم. خیلی در مضيقه هستم. فکر می‌کنم اشتباه کردم که با ایشان ازدواج کردم. چند سوال از شما دارم. آیا مسئول تامین هزینه من و پسر ام ایشان نیست؟ چطور می‌توانم پولی را که به او دادم پس بگیرم؟

وکيل خانه امن: سلام خانم محترم. بر اساس قانون مدنی ایران نفقه زوجه بر عهده زوج است. بنابراین شوهرتان موظف به پرداخت هزینه زندگی است. اما از آنجا که پسران فرزند ایشان نیست پرداخت نفقه در این مورد بر عهده شوهرتان نمی‌باشد. نفقه فرزندان اگر جد پدری اش زنده باشد با ایشان بوده و اگر نباشد با شما است. اما در مورد پولی که به ایشان داده اید می‌توانید نسبت به مطالبه آن اقدام کنید.

ابتدا با ایشان صحبت کنید اگر آن پول را ندهد به دادگستری بروید و اظهارنامه تنظیم کنید. اظهار نامه برگه ای است دارای دو قسمت. در یک قسمت شما از شوهرتان سوال می‌کنید. در قسمت مربوطه بنویسید که در تاریخ فلان مبلغ فلان به شما به عنوان قرض داده ام و هم اکنون خواهان دریافت مبلغی که دادم می‌باشم. این اظهارنامه به ایشان ابلاغ می‌شود. ایشان می‌توانند پاسخ دهند یا ندهند. به هر حال اگر در اظهارنامه به نوعی اعتراف و اقرار کرد که از شما پول قرض گرفته کار شما راحت خواهد بود. به دادگاه حقوقی می‌روید و با تنظیم دادخواستی و با استناد به اقرار خودش در اظهار نامه وجه را مطالبه می‌کنید. اما اگر در اظهارنامه اقراری انجام ندهد در دادگاه حقوقی باید اثبات کنید که پولی را به ایشان قرض داده اید. اگر شاهدی دارید به دادگاه معرفی کنید. اگر به حسابش واریز کرده اید، فیش بانکی را به دادگاه ارائه دهید. به طور کلی باید هر سندی که بتواند دادن پول را اثبات کند به دادگاه ارائه کنید.

پرسشگر: من می‌خواهم از ایشان طلاق بگیرم. چون فکر می‌کنم که رفتارهای شوهرم در روحیه پسرم تاثیر بدی داشته است. چه کار باید بکنم؟ آیا می‌توانم مهریه ام را نیز مطالبه کنم؟

وکيل خانه امن: اگر قصد جدایی دارید ابتدا با شوهرتان صحبت کنید و ایشان را راضی به طلاق توافقی نمایید. چون [طلاق توافقی](#) بسیار راحت تر و سریع تر به نتیجه می‌رسد. اما اگر ایشان موافقت نکرد به دادگاه خانواده رجوع کرده و دادخواست صدور حکم طلاق بدهید. در دادخواست کلیه مشکلاتتان را توضیح داده و با اعلام بدرفتاری‌ها و خشونت‌های شوهرتان عنوان کنید که در وضعیت عسر و حرج قرار داشته و قادر به ادامه زندگی با ایشان نیستید. دادگاه در این مورد تصمیم‌گیری خواهد کرد. در مورد مهریه می‌توانید مهریه‌تان را جداگانه یا طی دادخواست طلاق مطالبه کنید. دادگاه در نهایت همسران را محکوم به پرداخت مهریه می‌کند. اگر شوهرتان تمکن مالی نداشته باشد پرداخت مهریه تقسیط می‌شود.

مولوردی: از زنان تولیدکننده حمایت می‌کنیم

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده گفت: این معاونت از تولیدکنندگان داخلی به منظور رونق محصولات تولیدی آنان حمایت می‌کند.

شهیندخت مولوردی در جریان بازدید از نهمین نمایشگاه زنان و تولید ملی در محل بوستان گفتگو افزود: حمایت از تولید داخلی و ملی در رونق اقتصادی کشور نیز تاثیر جدی دارد به همین منظور با حمایت از این موضوع گام‌های موثری در راستای افزایش فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در میان زنان ایرانی برداشته می‌شود. وی با بیان اینکه با حمایت از زنان توانمند ایرانی به ویژه زنان سرپرست خانوار می‌توان شاهد افزایش مشارکت اقتصادی زنان باشیم، ادامه داد: نقش زنان در تبیین اقتصاد مقاومتی نیز به خوبی قابل مشاهده است و باید در این زمینه تلاش‌های جدی صورت گیرد. معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده عصر سه شنبه با حضور در محل سالن همایش‌های بوستان گفتگوی تهران، از بخش‌های مختلف نهمین نمایشگاه زنان و تولید ملی بازدید کرد. شهیندخت مولوردی در جریان این بازدید ضمن حضور در غرفه‌های مختلف این نمایشگاه با توضیحات دست‌اندرکاران در جریان جزئیات برگزاری این نمایشگاه قرار گرفت. نمایشگاه زنان و تولید ملی به منظور معرفی تولیدات زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست به شرکت‌های تولیدکننده پوشاک و سایر کالاها از 18 تا 26 شهریورماه برپا است.

منبع: [خبرگزاری آنا](#)

هیچ وقت نزدیک نشدیم، هیچ وقت نگذاشت کار کنم

Photo: AntonioGuillem/Bigphotostock.com

در میان انواع خشونت خانوادگی، «خشونت اقتصادی»^[۱] «علیه زنان که سوءاستفاده اقتصادی نیز نامیده می‌شود، از رایج‌ترین انواع خشونت به‌ویژه در رابطه خانوادگی و زناشویی است که کمتر بدان پرداخته شده است. خشونت اقتصادی یکی از قدرتمندترین و نافذترین روش‌ها برای نگه داشتن فرد قربانی در یک رابطه خشونت‌آمیز و حتی تحت فشار قرار دادن او برای بیرون آمدن از وضعیت دشوار است. خشونت اقتصادی روشی معمول برای به دست آوردن قدرت و اعمال کنترل در یک رابطه است. در واقع خشونت اقتصادی نوعی از سوءاستفاده مالی از شریک زندگی است که به کاهش ظرفیت قربانی برای حمایت از خود و وابسته شدن او به شریک دیگر منجر می‌شود. آشکال خشونت اقتصادی می‌تواند آشکار یا پنهان باشد اما به هر جهت، این نوع خشونت به محدود کردن شریک زندگی در دسترسی به منابع مالی یا اطلاعات درباره چگونگی کسب و خرج درآمد مالی خانواده منجر می‌شود. نکته مهم در بحث خشونت اقتصادی این است که این نوع از خشونت معمولاً در ترکیب با انواع دیگر خشونت مانند خشونت روانی، کلامی یا جسمی ظاهر می‌شود؛ به این ترتیب که یا دلیل آن‌هاست و یا هم‌عرض با این خشونت‌ها ایجاد می‌شود. روایت زیر تجربه زیسته زنی ۰۶ ساله و دارای ۳ فرزند از یک زندگی مشترک خشونت‌آمیز است:

سوم راهنمایی ترک تحصیل کردم. چون دو تا خواهرم فوت شده بودند و ذهنم درگیر اون‌ها بود. یکی تصادف کرد و یکی دو سال بعد تومور مغزی گرفت. بعدش دیگه حوصله درس خوندن نداشتم. ۷ تا بچه بودیم.

داستان ازدواج من با معرفی دوستی در پایگاه بسیج شروع شد. بعد از معرفی او مدن منو دیدن و پسند کردن. از من نه بود و از او آره. هنوزم از من نه است و از او آره. بعد ۲۳ سال هنوز اون مشکل رو داریم. مهریه‌ام ۰۰۱ هزار تومن بود. من دوست داشتم ۴۱ سکه مهریه‌ام باشه پدرم مخالفت می‌کرد. می‌گفت بیا ۴۱ تا به قرونی بهت می‌دم برو. نه شوهر کن و نه هیچی. اون موقع فکر می‌کرد سکه ارزشی نداره. گفتم آگه به اختیار شماست که هیچی. زندگی روال خودش رو طی کرد. پسر دارم، دختر دارم شدم، اما چیزی بین ما درست نشد.

چند سالی خرجی بهم داد. شاید ۳-۴ سال. تقریباً ۰۷ تا ۰۵۷. روزی ۰۰۰۱ و ۰۰۵۱ شروع کرد. اندازه اینکه نون بگیرم، کره بگیرم، پنیر بگیرم، ماست بگیرم. چیزای جزئی صبونه رو. بقیه رو خودش می‌گرفت بعد دید مزه می‌ده من کلی برکت دارم و یه خورده می‌ده و من کلی زیادش می‌کنم، به تدریج زیاد کرد و به ۰۰۰۷ تومان رسید. دید با این پول کلی مهمونی می‌دم. واسش سنگین شد. همه فهمیدن من با این خرجی همه کار می‌کنم. خودم می‌خرم و می‌دارم، واسش گرون تموم شد. همه از من تشکر می‌کردن جای اینکه ازون تشکر کنن. سوزش داشت، قطع کرد.

اوایل ازدواجمون تو خونه حموم نداشتم، آب گرم کن نداشتم. می‌رفتیم بیرون باید ۵ تومان پول حموم می‌دادیم نمره. ۳ تومان حمام عمومی بود. همونارو نمی‌رفتم پولمو جمع می‌کردم. خونه آب گرم می‌کردم خودمو می‌شستم. فقط یه پول حموم می‌داد و نون صبحانه. وقتی فهمید تو خونه کتری گرم می‌کنم و اون پول رو پس‌انداز می‌کنم خیلی براش زور داشت، همونم بعد یه مدت قطع کرد. دیده بود همه جوره سعی می‌کنم پس‌انداز داشته باشم، براش قابل قبول نبود.

بعد از ازدواج پس‌انداز برام مهم شد. جمع می‌کردم براش کادو می‌خریدم. سالگرد ازدواجمون سال اول یه کاپشن خیلی گرون خریدم براش. یکی دو بار پوشید گفت سایزم نیست و رنگش رو دوست ندارم. با دوستش رفت کاپشن رو عوض کرد و یه دست‌دوم گرفت پوشید. خیلی برام گرون تموم شد اما باز براش شلوار می‌خریدم، پیرهن می‌خریدم. همیشه بهترین و بالاترین رو براش گرفتم اما قدر نمی‌دونه. جوراب معمولی اون موقع ۱ تومان بود. جورابم سوراخ که می‌شد می‌گفتم پول بده نمی‌داد. می‌گفت بدوز. می‌گفتم بدوزم زیر پامه، پامو اذیت می‌کنه. می‌گفت ۲ تا رو هم ببوش.

جنگ بود. می‌رفت جبهه مجبور بود حقوق رو بذاره خونه. می‌گفت بنویس چی خریدی. برمی‌گشت دونه دونه می‌خوند، جمع می‌زد ده بار که ببینه جایی نبرده باشم. کاری نکرده باشم. خیلی تو مضیقه بودم. گفتم اصلن نمی‌خوام می‌رم خونه مامان اینا می‌مونم. اومدی مرخصی می‌ریم خرید.

هیچ وقت نگذاشت کار کنم. خاله‌ها و دخترخاله‌هاش کار می‌کردن. تولیدی لباس بودن، لباس می‌آوردن خونه. می‌دید اونارو، دوست نداشت؛ مادرش آرایشگر بود. حتی زن داداشش، همه زنای خانواده‌اش اکثراً کار می‌کردن. می‌رفت اینارو می‌دید که خونه نیستن و حتی تو خونه ام مشغولن و قیچی می‌کنن کلافه می‌شد. دوست داشت خانواده کنار هم باشن. اما من با اینکه خانه دارم و کار هم نمی‌کنم اما در

کنار هم نیستیم هیچ وقت. خودش میخواست که بره سر کار. میتونست تقسیم کنه با هم بریم سر کار. وقتی اون نیست، منم نیستم. با هم میایم، ۱-۲ ساعت کار خونه تمام می شد دیگه. مگه چقدر کار داره؟ میتونستیم در کنار هم باشیم. واقعن دوست داشتم کار کنم اما اصرار نکردم چون دیدم همیشه پایپچ می شه. اما بهش می فهموندم من آگه بخوام درآمد داشته باشم، راحت می تونم. هیچی به اسم نیست. خونه راضی نمی شد کار کنم. کلاس می رفتم آموزش می دیدم، می آوردم خونه رنگ بزنم انجام بدم خیلی بد نگاه می کرد. دید بدی داشت. اول برای خونه درست می کردم بعد دیدم مشتری دارم تک و توک می خرن ازم. درست کردم خریدن به مدت خیلی کوتاهی. بعد گفت تو داری بت پرستی می کنی. بت رو ترویج می دی تو زندگی مردم. چون مجسمه بود. شیشه بود. اسب بود. آدم بود. می گفت داری اینارو رواج می دی. همین رو بهونه کرد کارم تعطیل بشه. با کلی ضرر و زیان مجسمه ها رو گذاشتم در مغازه آقایی که ازش خریده بودم. گفتم بفروش هر موقع فروختی پولمو بده. اونم دکور مغازه اش کرده. بازم اون به جوری داره استفاده می بره و من ضرر می کنم. تو این سالها طلا اینا سعی کردم اضافه کنم، پس انداز کنم، مرتب وام بگیرم. همیشه بهش گفتم صاحب هرچی شدی، من باید می شدم نه تو. درسته کار نکردم اما چون هیچ وقت هیچی ازت نخواستم همه این چیزا مال منه.

هیچ وقت آتو دستش ندادم. من حریف همه فامیل بودم. آگه ۰۵ نفر زنگ می زدند می گفتم بیام خونه تون، بدو شام درست کن، بهترین سفره، بهترین پذیرایی، تزئینات. بعد صبح رفت سر کار عصر اومد گفت از صبح چکار کردی؟ بوی سبزی پیچیده. گفتم صبح پول ازت گرفتم برم گوشت و مرغ بگیرم دیدم حوصله ندارم. ۸۱ کیلو سبزی خریدم از صبح پاک کردم. شستم. خورد کردم سرخ کردم. بسته بندی کردم. کل خونه رو هم جارو زدم، حیاطم شستم، کل راه پله رو هم جارو دستمال کردم، اما تو فقط بوی سبزی رو می شنوی. بقیه رو نمی بینی.

بچه ها هم خیلی بغض دارن ازش. هیچ پولی دست پسر نداده تا حالا. فقط پول سرویس و مدرسه و لوازم تحریر می ده. هرچی بخوایم بخریم می گه خودم باشم موقع خرید. بهونه اس البته. دوست نداره خرج کنه. دوست داره پس انداز کنه. به علتش هم اینه که میگه تو با نداری من بهترین سفره رو انداختی، بهترین مهمونی رو دادی، بهترین لباسارو پوشیدی، همیشه بهترین بودی. دوس داره همینو به بچه ها هم یاد بدم اما بچه ها هنوز نمی تونن اینو درک کنن. از دید منفی به باباشون نگاه می کنن. حالا دیگه چه باباشون پول بده چه نده، براشون بده است چون خاطرات خوشی ندارن بچه ها.

همیشه شوهرم می گفت باید پول رو پس انداز کنه برای مبادا. گفتم مبادا کی هست؟ ازدواجه، خونه خریدنه، ماشین خریدنه. چطور این مبادا فقط برای تو هست؟ ماها نباید به چیزی برای خودمون داشته باشیم. آگه جشنی چیزی باشه، فامیل خودش باشه خودش می ده، فامیل من باشه می گه من نیام خودتون برید. بعد می گیم خب پول؟ می گه ندارید، نرید. فامیل خودش باشه می ره، بهترین و بالاترین می ده. آگه عروسی باشه نیاز باشه پول باشه نمیداد. با اینکه رو همه چیز حساسه و همش کی می ری؟ ساعت چند می ی؟ کی می ای؟ می کنه ولی آگه پای پول وسط باشه، ساکت می شه. در حالت های دیگه گوشیم زنگ بزنه جواب ندن، قشقرق به پا می کنه. داد و هوار راه می اندازه کجا بودی؟

برای بچه ها هضمش سنگینه. من بغض می کنم ولی برام عادی می شه میگم همینه دیگه چکار کنم؟ ولی بچه ها دوست دارن باباشونم به گوشه زندگیشون باشه. منم دوست دارم ارتباط داشته باشن؛ اما همیشه به ضد و نقیضی بوده. من بیشتر با بچه ها اخت گرفتم و صمیمی ام. مرور زمان برای رابطه مون سردی آورده. به حس درونی دارم که درک می کنم طرفم رو. هیچ وقت نزدیک نشدیم.

*این تجربه با موافقت مصاحبه شونده منتشر شده است.

Economical violence [۱]

منبع: [خسونت بس](#)

بازی کردن در زمین خسونتگر

Photo: airdone/bigstockphoto.com

نعیمه دوستدار

«چرا ولش نمی کنی بروی؟ ازش شکایت کن. انگار خودت هم بدت نمی آید که روزی یک فصل کتک بخوری، این آدم چه چیزش قابل دوست داشتن است؟ اصلا چطوری می گویی هنوز دوستش داری؟ دیگر برای من از کارهاش تعریف نکن، آبغوره هم نگیر.»

حرف‌ها مثل پتک روی مغزش فرود می آمدند. باد، هم خراش صورتش را می سوزاند و هم هوهویش کلافه اش می کرد. از کافه برگشت خانه و وقتی کلید انداخت، از لای در نیمه باز اتاق خواب، او را دید که روی تخت خوابیده و چراغ‌ها را روشن نکرده. تصویر خودش را دید در آینه کنار در، ترسیده و پف کرده و خراشیده.

کیفش را گذاشت توی کمد و رفت توی آشپزخانه و یک مشت برنج ریخت توی کاسه برای شام.

قربانیان خشونت خانگی تنها قربانی خشونت فیزیکی یا روانی فرد خشونتگر نیستند. حلقه متصل به زنجیره خشونتی که این افراد را در خود اسیر می کند، خشونت کسانی است که در قالب دلسوز و راهنما و مشاور، قربانی را به خاطر خشونتی که بر او می رود سرزنش می کنند و این سرزنش، عامل بازدارنده‌ای است که مانع خروج شخص از وضعیت نابهنجار خود می شود و گاهی حتی او را به واکنش دفاعی از موقعیت خود وا می دارد.

ویژگی خشونت خانگی چیست؟

در خاطره بسیاری از قربانیان خشونت خانگی سرزنش اطرافیان حضور پررنگی دارد. نسرین افضلی فعال حقوق زنان و پژوهشگر می گوید که برای درک یک فرد قربانی خشونت خانگی باید نخست تفاوت خشونت خانگی را با انواع دیگر خشونت درک کرد: «باید ببینیم چرا این مفهوم وجود دارد و چرا دو نوع خشونت تعریف می کنیم: خانگی و غیرخانگی؟ مگر نه اینکه خشونت یعنی رفتار فیزیکی یا روانی خشونت آمیز، چرا ما نیاز داریم صفت خانگی به آن اضافه کنیم؟»

علتش این است که بعد از سال‌ها تحقیقات در مورد انواع خشونت‌ها، محققان متوجه شدند نوعی از خشونت هست که علائم و نتایج متفاوتی دارد و فرق دارد با خشونت‌های دیگر. واکنش آدم‌ها چه اعمال کننده چه قربانی در این نوع خشونت با انواع دیگر فرق دارد. بنابراین برایش تعریف دیگری ارائه دادند؛ به این معنی که خشونت خانگی چون در فضای صمیمی از سوی نزدیک‌ترین افراد - به طور خاص زن و مردی که با هم در رابطه عاطفی و جنسی هستند یا در روابط همجنسگرا- و در روابط دگرجنسگرا بیشتر از سوی مرد بر زن اعمال می شود، با دیگر انواع خشونت تفاوت دارد. علتش به همین بر می گردد که وابستگی عاطفی وجود دارد و فرد نمی خواهد قبول کند کسی که دوستش داشته یا همچنان دوستش دارد، به او خشونت می کند. یا مثلا ممکن است فرزندان وجود داشته باشد که به خاطر آنها مواجهه فرد با خشونت فرق دارد. نمی خواهد او را ترک کند یا همان رفتاری را که در مقابل دیگرانی که به او خشونت می کنند، با او داشته باشد.»

وابستگی مالی موقعیت زن را شکننده می کند

علاوه بر اینها وابستگی مالی به خصوص در فضای سنتی مردسالار در ایران که تقسیم جنسیتی نقش‌ها در آن وجود دارد، یعنی مرد زن را تامین مالی می کند و زن وظیفه خانگی دارد، به ویژه زن را در موقعیت شکننده‌ای قرار می دهد که نمی تواند به راحتی از رابطه بیرون بیاید.

نسرین افضلی می گوید: «فشارهای اجتماعی هم در فضای سنتی و مردسالار وجود دارد. جامعه چون خانواده را محل سوختن و ساختن و مدارا می داند، به زن هم فشار می آورد که خود را در ساختار خشونت نگه دارد. نکته بعدی احساس تحقیر است. چون زن در بیان مجدد دوباره تحقیر می شود و به همین دلیل ترجیح می دهد کسی نداند که او در معرض خشونت است.»

برای قربانیان خشونت خانگی پذیرش واقعیت تلخی که به آنها نشان می دهد بخش مهمی از عمر، زمان و عاطفه خود را صرف یک رابطه شکست خورده کرده‌اند آسان نیست. پذیرش این مساله اغلب زمانی طولانی طلب می کند و عوارض روانی و عاطفی دارد. فرد خشونت دیده سرمایه عاطفی و انسانی خود را برباد رفته می بیند.

[در همین رابطه بخوانید: [خشونت اقتصادی با زنان: وابسته بمان!](#)]

ساختار اجتماعی ایران نسبت به زن خشن است

نکته دیگر نداشتن حمایت‌های قانونی و رسمی در خارج از خانه ات. نسرین افضلی می گوید که ساختار جامعه‌ای مانند ایران نسبت به زنان خشن است: «مهم‌ترین چیز در ایران نابرابر قدرت در ساختار خانواده و حتی خارج از خانواده در رابطه دوست دختر و دوست پسرها با اینکه رابطه رسمی نیست، در صورت رسیدن به مراحل قانونی، باز این مرد است که دست بالا را دارد.»

خشونت در خانواده به وسیله قانون تثبیت شده. برای زن راحت نیست که از خانه بیرون برود، اما مرد انواع راه‌های قانونی را دارد که زن را سرکوب کند: کنترل اقتصادی، تهمت زدن، گرفتن حضانت، ممنوع‌الاشغال کردن، ممنوع‌التحصیل کردن و ممنوع‌الخروج کردن. زن از

ترس پیامدهای حقوقی قضیه، نمی تواند به سادگی از رابطه خشونت آمیز خارج شود.»

همه اینها در شرایطی است که خشونت خانگی هنوز در قوانین ایران جرم انگاری نشده و حتی در مقابل بلکه بخشی از فرهنگ و قانون رسماً خشونت علیه زنان را به عنوان حق مردان به رسمیت شناخته و محترم شمرده است.

نسرین افضلی می گوید: «حالا با تمام این شرایط در صورت ماندن در رابطه تقصیر را به گردن زن می اندازند که اگر ناراحت است چرا نمی آید بیرون؟ زنی که از تمام ابزارهای اقتصادی اجتماعی قانونی محروم است باز محکوم است که چرا از رابطه خارج نمی شود یا خشونت را گزارش نمی کند. تمام اینها خشونت مضاعف است در جامعه ای مثل ایران.»

[در همین رابطه بخوانید: [از پدرسالاری تا مردسالاری: راهی که بسیاری از زنان نمی روند](#)]

قربانی را مقصر ندانیم

رضا کاظم زاده، روانشناس مقیم بلژیک می گوید: «قربانی خشونتی که هنوز در رابطه است، به خصوص در رابطه ای دراز مدتی که فرد در آن ارتباطات عاطفی اقتصادی و جنسی دارد وضعیت پیچیده ای از نظر روانی و اجتماعی دارد. در چنین مواردی اگر شخص مورد سرزنش قرار بگیرد، سرزنشگران باید آگاه باشند که در مسیر فرد خشونتگر دارند گام بر می دارند. برای اینکه بتوان فردی را در یک وضعیت خشونت برای دراز مدت نگاه داشت، یکی از روش های مهم خشونتگران این است که اعتماد به نفس فرد را از او بگیرند. هر چه بیشتر اعتماد به نفس فرد را بگیری و شخصیتش را خرد کنی، او توانایی تغییر وضعیتش را بیشتر از دست می دهد. وقتی فرد قربانی را سرزنش کنیم در همان مسیر خشونتیم. هم تصویر او از خودش و عزت نفسش را از بین می بریم، این از اهداف خودآگاه و در موارد ناخودآگاه فرد خشونت ورز است.»

کاظم زاده درباره نحوه برخورد با قربانیان خشونتی که برای مشاوره، همفکری یا دردل به نزد دوستان و نزدیکان می روند می گوید: «در مورد فردی که در این موقعیت قرار دارد، نباید قضاوت کرد. نباید فراموش کرد که معمولا کسانی که دراز مدت در رابطه می مانند خیلی از امکانات اولیه را از دست داده اند. اعتماد به نفس و عزت نفس فرد ضعیف شده. خشونتگر، معمولا ارتباطات همسرش را با دنیای بیرون از بین می برد یا کاهش می دهد. اگر کسی با ما صحبت می کند، خود این صحبت کردن جرات و جسارت می خواهد و شاید ما از افراد معدودی بوده ایم که او به ما اعتماد کرده.»

این روانشناس توصیه می کند که به فرد خشونت دیده فرصت حرف زدن بدهیم: «باید روی احساس امنیتش کار کرد، باید جایگزین ها و دورنماهای قابل قبولی در مقابلش وجود داشته باشد. او باید امکان های دیگری را که موجود است ببیند. قربانیان خشونت خانگی، در خیلی از موارد حتی در خارج از ایران بدون اینکه دوستانشان بدانند ده ها بار خانه های امن می روند اما بعد از مدتی به خاطر تنهایی یا فرزندانشان، یا به خاطر بعضی از امکانات یا نگرانی از آینده دوباره به آن رابطه بر می گردند. پس مساله تنها خروج از خانه نیست، بلکه تصویر آینده خیلی مهم است. باید خیلی صبور بود. کسانی که آشنایی ندارند ممکن است در خطر قضاوت و همه مسایل را به فرد برگرداندن بیفتند، اینکه به فرد خشونت دیده بگوییم که تو ضعیفی و خودت می خواهی که در این شرایط بمانی، تنها بازی کردن در زمین فرد خشونتگر است.»

بیشتر بخوانید: [چرا از روابط خشونت آمیز جدا نمی شویم؟](#)